

عربی کنکور

دوازدهم

تجربی و ریاضی

تهیه کننده: عاصم آبادی

شهریور: ۱۳۹۷

درس اول : معنای حروف مشبّهة بالفعل و لا نفی جنس

۱) حروف مشبّهة بالفعل = اِنْ - اَنَّ - كَانَّ - لَكِنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ

* اِنْ : جمله بعد از خود را تاکید می کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که ، بی گمان» است :

مثال : «... اِنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» بی گمان خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

اَنَّ : به معنای «که، این است که» است و دو جمله را بهم پیوند می دهد: مثال

«قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

كَانَّ : به معنای «گویی» و «مانند» است : مثال

«كَانَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» آنان مانند یاقوت و مرجانند.

كَانَّ اِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ. گویی راضی ساختن همه مردم هدفی است که بدست نمی آید.

* لَكِنَّ : به معنای «ولی» و برای تکمیل پیام و رفع ابهام جمله قبل از خودش است ؛ مثال :

« اِنَّ اللهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَيَّ النَّاسِ وَلَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ »

بی گمان خداوند دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس نمی گذارند.

* لَيْتَ : به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم بکار می رود. مثال:

«وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً» و کافر می گوید ای کاش من خاک بودم

لَعَلَّ : یعنی «شاید» و «امید است». مثال:

«اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

بی گمان ما آن را قرآن عربی قرار دادیم شاید (امید است) شما خردورزی کنید.

* فعل مضارع را در جمله دارای «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» با توجه به سیاق عبارت می توان «مضارع التزامی» ترجمه کرد. مثال

لَعَلَّ حَمِيداً يُسَافِرُ : شاید حمید سفر کند / لَيْتَنِي اَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بِلَادِي : کاش همه شهرهای کشورم را ببینم .

فعل ماضی را در جمله دارای لیت با توجه به سیاق جمله می توان «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه کرد؛ مثال :

لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ ! كَاشِ نَاصِرٌ اَزْ تَنْبَلِي (دوری می کرد، دوری کرده بود)

تذکر مهم: در ترجمه صحیح فعل بعد از لیت و لعل باید به سیاق عبارت توجه کرد.

نکته ۱) فرق إِنْ؛ إِنَّ؛ إِنِّ؛ أَنَّ:

تمرین: عین الصحیح:

۱) الطالب ناجح. (إِنَّ، إِنْ، إِنِّ، أِنَّ) ۲) قلتُ له: تطلب النجاة فاسع سعياً. (أَنَّ، إِنْ، إِنِّ)

نکته ۲) «إِنَّا» با «إِنَّا» هیچ فرقی ندارد.

نکته ۳) غیر از «أَنَّ» به معنی (که) در چند جای دیگر معنی (که) بکار می رود که عبارتند از:

(جمله وصفیه، آن از حروف ناصبه، موصول خاص بعد از معرفه به ال)

رأيتُ تلميذاً يضحكُ: أَنْ يَذْهَبَ: الرجل الذي:

انسانی: این حروف (مشبهه بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می آیند و مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب می کند ولی اعراب خبر مرفوع باقی می ماند.

مهدى فائز فى مسابقة كره المنضده = لیت مهدياً فائز فى مسابقة كره المنضده.

الريبع قصير = إن الربيع قصير اسم لیت منصوب خبر لیت مرفوع

مبتدا خبر اسم إن منصوب خبر إن مرفوع

نحن مسرورون = إن التلميذ ضاحك: إن

نکته: انواع حروف (۱) حروف جر (ب، من، فى، إلى، على.....) (۲) حروف ناصبه: (أَنَّ، إِنْ، كَيْ، لَكِي، حَتَّى، لِي)

(۳) حروف جازمه (لَمْ، لَ، لَا، إِنْ) (۴) حروف پرسشی (أ، هَل) (۵) حروف مستقبل (سَ، سَوْفَ)

کدامیک از حروف زیر موثر (عامل) هستند؟

لای نفی جنس

با سه معنای «لا» آشنا شده اید.

(۱) «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ، أَمْ» مانند «أَنْتَ مِنْ مَشْهَدٍ؟ لَا أَنَا مِنْ تَهْرَانِ»

(۲) لای نفی مضارع: مانند لَا يَذْهَبُ: نمی رود

(۳) لای نهی مانند لَا تَذْهَبْ: نرو لَا يَذْهَبُ = نباید برود

معنای چهارم لا

(۴) لای نفی جنس: «هیچ..... نیست، و هیچ..... وجود ندارد»، «بدون شک..... نیست».

«بی تردید..... نیست»، «یقیناً..... نیست» که بر سر جمله اسمیه می آید

لَا فَقْرًا أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.

لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ: هیچ گنجی بی نیازتر از قناعت نیست.

نکته (۱) اسم لا، یک کمله فقط است و معمولاً بدون ال است و تنوین نمی گیرد. همچنین اسم لا اضافه نمی شود.

لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ: هیچ چیزی زیباتر از صبر نیست.

نکته (۲) خبر لای نفی جنس بیشتر بصورت جار و مجرور است. لَا رَجُلًا فِي الْبَيْتِ

نکته (۳) خبر لا اگر اسم ظاهر باشد مرفوع می آید. لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ.

نکته (۴) گاهی خبر لا حذف می شود. = لَا شَكَّ. لَا بَأْسَ. لَا إِلَهَ [مَوْجُودٌ] إِلَّا اللَّهُ.

نکته (۵) لای نفی جنس ولای نهی عامل (اثرگذار) هستند و لای نفی غیرعامل است.

مترادف و متضادهای درس اول دوازدهم تجربی و ریاضی

(۱) سُدىٌ = عَبَثًا (۲) يَظُنُّ = يَحْسَبُ (۳) يُبَيِّنُ = يُظْهِرُ (۴) سِيرَةٌ = طَرِيقَةٌ (۵) حَاوَلَ = سَعَى

(۶) اَلتَّجَنَّبُ = اَلْاِبْتِعَادُ (۷) اَلصَّرَاعُ = اَلنِّزَاعُ (۸) اَلْحَنِيفُ = اَلْمُو (۹) اَلْغَايَةُ = اَلْهَدَفُ (۱۰) يَسْتَوِي = يُسَاوِي

(۱۱) اَعَانَ = نَصَرَ (۱۲) اَبْرَ = نَوَّرَ (سَوَى = اِلَّا (۱۴) اَحْضَرَ = جَلَبَ (۱۵) اَلدَّاءُ = اَلْمَرَضُ

(۱۶) اَلْقَدِيْمَةُ ≠ اَلْحَدِيْثَةُ (۱۷) اِزْدَادٌ # قُلٌّ

تست درس اول حروف مشبیه و لای نفی جنس

(۱) عَيْن «لا» النافية للجنس: (آزمایشی سنجش ۸۴)

(الف) عليكم أن تجالسوا العاقل لا الجاهل (ب) لا ناجح يتكاسل في حياته
(ج) أيها الانسان لا تعاشر من يفخر بنفسه (د) ألا تعلمون أن الله قادر على كل شيء

(۲) عَيْن العبارة التي ليست نافية للجنس: (آزاد انسانی ۸۲)

(الف) لا تقف ما ليس لك به علم (ب) لا شيء افضل من التقوى
(ج) لا علم لنا إلا ما علمنا الله (د) لا كلمة تعادل كلمة الحق

(۳) عَيْن «لا» النافية للجنس (سراسری زبان ۸۴)

(الف) ألا لك عمل آخر؟ (ب) الليلة لانجم في السماء
(ج) لا أدري التجارة أنفع من الكتاب العلم (د) لا تنمو الزهور إلا في حدائق ذات بهجة

(۴) عَيْن الصحيح في «لا» النافية للجنس: (سراسری انسانی ۸۲)

(الف) لا معبود غير الله (ب) لا عاش من يظلم العباد
(ج) لا تنه عن خلق و تأتي مثله (د) لا مع تکرار الدرس نسیان

(۵) عَيْن «لا» النافية للجنس (سراسری ریاضی ۸۵)

(الف) اليوم لا طالبة في المدرسة (ب) لا تطلبوا إلا أعمال الخير
(ج) ألا تعلم أن الله على كل شيء محيط (د) لم تقول ما لا تعلم، أيها الانسان

٦) عین کلمه «طفل» مبنیة : (سراسری خارج کشور ۸۷)

- الف) هذا طفل يحبّه كثير من الاطفال
ب) أسرع طفل إلى السّاحة ليعلب فيها
ج) لا طفلَ إلا و هو يحتاج إلى أمّ رؤوف
د) كان يوسف طفلاً حينما وقع في البئر

٧) عین الصحيح فی «لا» النافية للجنس (سراسری ریاضی ۸۶)

- الف) هذا شاعرٌ جليل لا تاجر نشيط
ب) قلتُ لزميلتي : لا شكّ في انتصار الحق
ج) لا يذهب المؤمن إلى مجالس السوء
د) أيها الغنى لا إنفاقَ الاموال إلا في سبيل الله

٨) عین «لا» غير عاملة : (سراسری انسانی ۸۱)

- الف) لا توقعی نفسک فی المالك
ب) لا فقرَ أشدّ من الجهل
ج) لا تقعین فی المهالك إذا عملت الخير
د) لا تبع نفسک بئمن نجس

٩) عین الصحيح عن نوع «لا» (آزمایشی سنجش ۸۹)

- الف) ألا تعرف أنا ذلك الشابّ الذي استقبلک بحفاوة (ناهیة)
ب) طوبى لك يا من لا تبادر بالأعمال السئیة و المنكرة (نافیة للجنس)
ج) لا شكّ أنك لن تكذبى من أجل زخارف الدنيا (نافیة)
د) لا نفع في الكلام فيه اللغو و الغيبة و الكذب (نافیة للجنس)

١٠) عین «لا» غير عاملة : (تجربی ۹۰)

- الف) إعلم إنك لا تحصل على النّجاح دون الاجتهاد
ب) لا شكّ في أنّ هواء البحر هذه الايام هائج بشدة
ج) لا تعش في حياتك كالذى يأمر الناس بالبخل
د) ذهبنا إلى شارع لا حانوت فيه فلذلك لم نشتر شيئاً

١١) عین مافیه کلمة غريبة (حسب القواعد):

- ١) من، فى، إلى، على
٢) أن، أليت، لكنّ، لعلّ
٣) كان، صار، أليس، أليت
٤) أن، لن، كى، لكى

١٢) عین «ان» يختلف نوعه عن الباقي:

- ١) قرّر تلاميذ المدرسة الأيغيب أحدهم عن الامتحان
٢) يجبُ الأنسبُ معبودات الكفار فييسّوا الله
٣) قال أعلم أن الله على كلّ شىء قديرٌ
٤) نريد ان نساقرَ إلى جزيرة كيش بالطائرة

۱۳) عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْفِرَاقِ: «.....تُحْسِنُ إِلَى وَالِدِيكَ فَاعْلَمْ.....أَجْرَكَ عَلَى اللَّهِ.»

(الف) إِنْ - أَنْ (ب) إِنْ - أَنْ (ج) إِنْ - أَنْ (د) أَنْ - إِنْ

آزمون درس اول عربی دوازدهم (آزمون شماره ۱)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ

۱) « كُنْتُ أَعْرِفُ مَنطِقَةَ مَخْضَرَةٍ وَ غَنِيَّةً بِالْجَمَالِ فِي أَقْصَى نَقْطَةِ الشَّمَالِ الشَّرْقِيِّ مِنْ مَدِينَتِنَا أَقْضَى فِيهَا بَعْضُ الْأَيَّامِ مَعَ الْأُسْرَةِ » (زبان ۹۲)

۱) نقطه ای سبز و زیبا در دورترین مکان شمال شرقی شهر می شناختم که سرشار از زیبایی بود و با خانواده چند روز تمام آنجا بودیم

۲) جای زیبا و سبز و با طراوتی را بلد بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و یک روز تمام را با خانواده آنجا سپری کردم

۳) منطقه ای سرسبز و سرشار از زیبایی در دورترین نقطه شمال شرقی شهرمان می شناختم که بعضی روزها را با خانواده در آنجا می گذراندم

۴) منطقه سر سبز و غنی و پر از زیبایی وجود داشت که در نقطه ای دور دست از شمال شرقی شهرمان بود و چند روز را با خانواده در آنجا گذراندم

۲) « أَنَّهُ مَعْطُ كَرِيمٍ يَعْطَى إِعْطَاءً كَامِلًا حَتَّى مِنْ لَا يِنَادِيهِ وَ لَا يَسْأَلُهُ شَيْئًا »

۱) او بزرگوار بخشنده ایست که به آنها که نمی خواندندش و درخواستی هم از او نمی کنند کامل بخشش می کند

۲) او بخشنده ی کریمی است که حتی به کسی که او را نمی خواند و چیزی از او نمی خواهد هم بطور کامل می بخشد

۳) او بخشنده ایست که بزرگوارانه و کامل می بخشد حتی به آنکه او را نمی خواند و یا چیزی از او درخواست نمی کند

۴) او بخشنده و کریم است حتی نسبت به آنان که نه صدایش می کنند و نه چیزی از او می خواهند هم بخششی کامل دارد.

۳) عَيْنَ الْخَطَا :

۱) من يستطيع من بيننا أن يفهم النصوص الأدبية : چه کسی از بین ما میتواند متون ادبی را بفهمد

۲) كان رأيه صواباً و الآخرون يستدلون برأيه : نظرش درست بود و دیگران به نظر او استدلال می کردند

۳) يشتري الناس أشياء أكثر مما هم بحاجة إليه: مردم بیشتر کالاها را بخاطر نیازشان خریداری میکنند

۴) عزمتم على أن أساعده لأنني لا أشاهد تقدما في عمله : تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفت می بینم

نمی بینم

۴) عین غیر مناسب فی مفهوم :

- ۱) من قصد الخیر کمن فعله ← إعلم أنّما الأعمال بالنیات
- ۲) أعظم العبادة أجراً أخفاها ← بشاشة الوجه خیر من سقاء الكفّ
- ۳) قد یفنع الشيء تحسبه شراً ← عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لكم
- ۴) الاهداف السامیة تنادی النفوس الساعیة : بقدر الكدّ تکتسب المعالی

۵) «الظبی كأنه إنسان شاعر یدرک جمال اللیل و هو یرقب القمر باعجاب کثیر» (ریاضی ۹۲)

- ۱) این آهو چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره گر زیبایی ماه است
- ۲) چه بسا آهو انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می داند و ماه را با تعجب بسیار نظاره می کند
- ۳) آهو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می نماید و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می کند
- ۴) گویی که این آهو همچون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می کند و بطوری عجیب نظاره گر ماه است

۶) «زود الله کلاً من مخلوقاته بخصائص ممتازة حتی یستفید منها فی الحفاظ عن نفسه مقابل خشونة الحیاة»

- ۱) خدا هر یک از مخلوقاتش را خصوصیت ممتازی بخشیده تا با آن خود را در زندگی خشن و سخت حفاظت کند
- ۲) خدا همه ی مخلوقات را به خصایل برجسته ای مجهز کرده تا آنها را در حفاظت از خود در برابر ناملایمات زندگی بکار گیرند
- ۳) خداوند به هر کدام از آفریده ها خصلت ممتازی داده تا بدان وسیله بتوانند از خود در مقابل خشونت زندگی محافظت نمایند
- ۴) خداوند هر یک از آفریدگانش را به خصوصیتی برجسته تجهیز کرده تا از آنها در حفاظت از خویش در مقابل خشونت زندگی استفاده کند

۷) «لا دین للمتّون و إن ألقاک فی الخطا و تظاهر بکمال دیانتہ» (هنر ۹۲)

- ۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیافکند
- ۲) هیچ دینی ندارد آنکس که دو رنگ است و به کمال دین داریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود
- ۳) انسان دو رو هیچ دینی ندارد اگرچه تو را به اشتباه بیافکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند
- ۴) آنکه دو روست دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد

۸) « لم یکن أحد یظنّ أنّی أكون صبوراً هكذا أمام متاعب الدنيا » (سراسری انسانی ۹۲)

- ۱) کسی تصور نمی کند که من تا این حد در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشم
- ۲) کسی گمان نمی کرد که من در مقابل سختیهای دنیا این چنین صبور باشم
- ۳) هیچ کس تصور نمی کرد که من این همه در برابر پیچیدگیهای زندگی مقاومت کنم
- ۴) هیچ کس گمان نکرد که من این چنین در مقابل سختی و مشقت دنیا شکیبایی بخرج دهم

۹) « یصبح » و یصبح مساویاً لمستوی الیابسة :

- ۱) مضارع – مزید ثلاثی من باب إفعال – / فعل من الافعال ناقصه و هی نواسخ
- ۲) مضارع – للغائب – مجرد ثلاثی – متعدی / فعل من الافعال ناقصه و اسمه ضمیر هو مستتر
- ۳) للغائب – مزید ثلاثی من باب افعال- مبنی للمعلوم / فعل و فاعله ضمیر هو مستتر و جمله فعلیه
- ۴) مضارع – للغائبة – مزید ثلاثی من باب إفعال -لازم/فعل من النواسخ و اسمه «مستوی» و جمله فعلیه

۱۰) « یکن » : لم یکن مفروشاً بالورود : (سراسری انسانی ۸۵)

- ۱) للغائب – مزید ثلاثی – مبنی للمجهول / فعل مجزوم به حرف جازمه و فاعله ضمیر هو مستتر
- ۲) فعل – مجرد ثلاثی – / فعل من الافعال ناقصه – و اسمه ضمیر هو المستتر
- ۳) فعل مضارع – مجرد ثلاثی – مبنی للمعلوم – فعل مجزوم به حرف لم و علامة جزم حذف حرف عله
- ۴) فعل مضارع – لازم- مزید ثلاثی-فعل مجزوم به لم

۱۱) « أصبح » و قد أصبح الحقل فارغاً: (سراسری ریاضی ۹۱)

- ۱) ماضٍ – للغائب – لازم – مبنی علی فتح /من افعال ناقصه اسمه «الحقل»
- ۲) للغائب – مزید ثلاثی من باب إفعال – /من افعال ناقصه و هی من نواسخ
- ۳) فعل ماضٍ – للغائب – مبنی للمعلوم – /من افعال ناقصه و هی من نواسخ و اسمه «الحقل»

۴) مزید ثلاثی من باب إفعال – متعدّد- مبنی للمعلوم / فعل من نواسخ خبره «فارغاً»

۱۲) عین «لا» الناسخة (سراسری انسانی ۹۲)

- ۱) الذى لا يعمل بجدّ لن يرى النجّاح فى حياته
 ۲) سلّمت على صديقى لاعلى جميع الحاضرين
 ۳) يجب أن نتعرف بأنّه لانفع فى مجالسة الجهال
 ۴) إنّ اخاه لا يدرس فى البيت بابل فى المدرسة
 ۱۳) عین «لا» عاملة: (سنجش بهمن ۸۸)
 ۱) لا شكّ فى أنّ بيت النملة يُبنى بمهارة!
 ۲) عليك أن تلزم الصدق و الأمانة لا الكذب و الخيانة!
 ۳) نحن لا نستسلم للصعوبات حتّى ننجح!
 ۴) لا نتحمّل المشقّات إلّا للوصول إلى التقدّم!
 ۱۴) عین «لا» الناسخة: (سنجش دی ۸۶)

- ۱) لا ينجح أحد فى الحياة إلّا من له همّة عالية! ۲) أعلم يا ولدي، لا فائدة فى علم لا يستفاد منه!
 ۳) لا تسمح لليأس أن يتسرّب فى نفسك! ۴) كان الرّسول الأكرم (ص) لا يدع إحترام الأطفال!
 ۱۵) عین «لا» العاملة: (سنجش اردبيھشت ۹۳)

- ۱) الإنسان المتقدّم قادر على نشر الخير فى الشّعوب، لا غيره!
 ۲) إنّما أساس التوحيد وحدانيّة الله الذى لا شريك له!
 ۳) الطبيعة لا تخدع أبداً، دائماً نحن الذين نخدع أنفسنا!
 ۴) ليعلم الإنسان أنّ الدّنيا لا تخلو من المتاعب و الآلام!